



بررسی رابطه بین حضور مدیران زن و سواد مالی آنها در پیشگیری از مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر نقی فاضلی^۱ ©

عضو هیات علمی و استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران

رعنا نیاکان^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سمنان، سمنان، ایران

(تاریخ دریافت: ۴ شهریور ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲ بهمن ۱۳۹۸)

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود و تأثیر سواد مالی اعضای زن در هیات مدیره می باشد. برای دستیابی به هدف پژوهش از اطلاعات ۱۲۹ شرکت از تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ (۱۰ سال) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها نیز روش رگرسیون چند متغیره به کار گرفته شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد، بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد، همچنین مدیریت سود شرکتهایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند، از شرکت هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند، بیشتر است.

واژه های کلیدی: اعضای زن در هیئت مدیره، سواد مالی اعضای هیئت مدیره، مدیریت سود.

¹ fazeli.n@gmail.com

² niakan.raana@yahoo.com

مقدمه

سواد مالی می‌تواند دربردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی‌های مالی، دانش و علم در خصوص محصول‌های مالی و مؤسسه‌های مالی و یا مفاهیمی چون مهارت‌های مالی مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه‌ریزی‌های مالی باشد؛ اگرچه در عمل این مفاهیم با هم همپوشانی دارند و مشترک هستند [۳]. سیاست‌گذاران در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به طور فزاینده‌ای در حال شناخت اهمیت سواد مالی بوده و در پی آن منابع خود را در حوزه برنامه‌های تحصیلات مالی و ارتقای آن تخصیص می‌دهند. در کشورهای با درآمد بالا، سواد مالی، بیشتر اوقات به عنوان یک مکمل حمایتی برای مشتری در نظر گرفته می‌شود. یکی از هدف‌های اولیه تحصیلات مالی، تجهیز کردن افرادی است که قابلیت مدیریت مجموعه‌ای از محصول‌های مالی مانند طرح بازنشستگی و وام رهنی را دارند، تا بتوانند تصمیم‌های مالی درستی بگیرند. از اینروست که با انتقال مسئولیت‌های برنامه‌ریزی مالی از بخش عمومی به افراد، اهمیت چنین کاری بارها مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. در کشورهای کم درآمد، توسعه یافتگی مالی بسیار محدودتر اتفاق می‌افتد و محصول‌های تخصصی و پیشرفته به نوعی در دسترس درصد بسیار کمی از جمعیت بوده و به همین دلیل، نقش سواد مالی در افزایش سطح دسترسی و خدمات مالی بیشتر از پیش مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی در جوامع امروزی، توسعه پایدار بر توانمندسازی زنان تکیه دارد. به طوری که اندیشمندان اجتماعی همواره بر رفع موانع جنسیتی به عنوان لزوم تحقق توسعه اقتصادی و اجتماعی تأکید کرده‌اند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای بدون توجه به نقش موثر زنان در تولید و بازپروری امکانات امری دشوار است، زیرا زنان با ایفای نقش مدیریت مالی، تأثیر بسیاری بر اقتصاد سازمان‌ها و در ابعاد وسیع تر در اقتصاد جامعه دارند [۱۶]. ادبیات نشان می‌دهد که نمایندگی زن در هیئت مدیره شرکت عملکرد و کارایی هیئت مدیره را بهبود می‌بخشد [۹]. علاوه بر این، مطالعات شواهد نشان می‌دهد که مدیران زن، با جلوگیری یا اصلاح رفتار فرصت طلبانه مانند مدیریت سود، بهبود عملکرد، درآمد را بهبود می‌بخشد [۱۷]. طی سال‌های اخیر، رویکردهای نسبتاً جدیدی در ارتباط با به کارگیری زنان در مشاغل مهم و حتی حساس به وجود آمده است که می‌توان این اتفاق در ایران را در دولت نهم به بعد احساس نمود. استفاده از زنان در مقام وزارت و یا معاونت ریاست جمهوری و نیز استفاده از مدیران زن به عنوان سخنگوی وزارت امور خارجه در دولت از مصادیق این رویکرد نو می‌باشد. همچنین در کشورهای اروپایی نظیر نروژ، حضور مدیران زن در شرکت‌های نروژی را با اهمیت دانسته و از ژانویه ۲۰۰۸ قانونی به تصویب رسیده که شرکت‌ها می‌بایست ۴۰٪ از کرسی‌های مدیریت را به مدیران زن اختصاص دهند. همچنین در انگلستان همانند نروژ قانونی به تصویب رسیده است که ۳۰٪ مدیران شرکت‌ها، از زنان تشکیل شده باشد [۷]. ژوئیه‌های بسیاری در خصوص نقش زنان در جامعه و مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون در کشورهای مختلف انجام شده است. یافته‌ها حاکی از آنان است که، زنان همانند هم‌تایان مرد خود می‌توانند در بسیاری از امور مشارکت نموده و از بازدهی بالایی برخوردار باشند. لذا هدف پژوهش پیش‌رو بررسی

رابطه تکاملی بین مدیران زن و سواد مالی در پیشگیری از مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

چارچوب نظری پژوهش

مدیریت سود

مدیریت سود در ادبیات حسابداری از موضوعات نسبتاً تازه و مورد توجه مدیران می باشد و از مباحثی است که در حوزه سود حسابداری مطرح می شود. این مبحث در حسابداری از حدود ابتدای قرن بیستم به بعد با تحقیقات مختلفی توسط صاحب نظران رشته حسابداری شکل گرفت. هر یک از این تحقیقات از ابعاد خاصی و با عبارت متفاوتی نظیر دستکاری سود، هموارسازی سود و در نهایت مدیریت سود به موضوع پرداختند [۴ و ۶]. مدیریت سود هنگامی رخ می دهد که مدیران از قضاوت های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دست کاری نمایند. این هدف یا به قصد همراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت، یا تاثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آنها منوط به دستیابی به سود شخصی است [۴ و ۶]. مدیریت سود زمانی رخ میدهد که مدیران یا از اختیار گزارشگری خود و یا نفوذ و تأثیرگذاری خود بر تصمیمات عملیاتی، سرمایه گذاری و تأمین مالی استفاده می کنند تا به یک گزارش مطلوب دست یابند [۵].

سواد مالی

سواد مالی، توانایی استفاده از دانش و مهارت ها است، بگونه ای که بتوان برای مدیریت مالی، تصمیمات موثر و آگاهانه گرفت. سواد مالی شخصی شامل طیف وسیعی از موضوعات پولی، از مهارت های روزانه تا برنامه ریزی بلندمدت برای بازنشستگی است [۱]. سواد مالی می تواند دربردارنده مفاهیمی از نوع آگاهی های مالی، دانش و علم در خصوص محصول های مالی و مؤسسه های مالی و یا مفاهیمی چون مهارت های مالی، مانند توانایی محاسبه پرداخت بهره ترکیبی و به طور کلی توانایی مالی در خصوص مدیریت پول و برنامه ریزی های مالی باشد؛ اگرچه در عمل این مفاهیم با هم همپوشانی دارند و مشترک هستند. مدیر با سواد مالی کسی است که تحصیلاتش شامل حداقل یکی از درجه های، کارشناسی ارشد حسابداری و یا مالی و یا موقعیت فعلی یا گذشته اش به عنوان یک مدیر اجرایی در یک مؤسسه مالی است.

نقش مدیران زن و سواد مالی آنها در پیشگیری از مدیریت سود

مطالعات نشان می دهد که مدیران زن عملکرد و کارایی هیئت مدیره را بهبود می بخشد و همچنین کیفیت عملکرد و کیفیت سود را به دلیل اینکه زنان به دیدگاه های مختلف و عقاید مختلف به بحث و گفتگو می پردازند [۱۱]، زنان به علت فرآیندهای مختلف اجتماعی شدن در معرض تجربیات مختلف قرار دارند [۱۳]، و یا مدیر زن درمقایسه با مردان تمایل بیشتری برای حضور بهتر و موثرتر در جلسات هیئت مدیره دارند. [۷ و ۱۴]. علاوه بر این، ادبیات جنسیتی نشان می دهد که زنان بیشتر از مردان رنج می برند [۱۰]. مطالعات مربوط به جنسیت به ارزش های اخلاقی، زنان را در قضاوت ها و رفتارهای خود، اخلاقی تر از مردان می دانند [۷]، و در نتیجه بیشتر احتمال دارد که گزارشات غیرقانونی را گزارش دهند [۱۲]. این

تفاوت های جنسیتی نشان می دهد که مدیران زن می توانند باتاکید بیشتر بر ملاحظات اخلاقی در تصمیمات هیئت مدیره، نظارت داخلی شرکت را تقویت کنند. و مدیران زن بیش از حد قادر به محدود کردن و جلوگیری از پرخاشگری گزارش حسابداری باشند. [۱۲].

پیشینه تجربی پژوهش

جیانگ، ژو و هوانگ (۲۰۱۷). در پژوهشی با عنوان «تاثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود» در کشور چین به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای اقلام تعهدی اختیاری رابطه ای وجود ندارد. آن ها بر اساس یافته های خود، نتیجه گرفتند که مدیرعامل های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق تر و صورت های مالی با کیفیت تری را ارائه می کنند [۱۵]. چن و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیق خود به بررسی رابطه بین مدیران زن و سواد مالی ایشان در مدیریت سود در کشور پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان داد که حضور مدیران زن در هیئت مدیره سهمی اضافه جهت تشریح مدیریت سود در شرکت هایی که مدیران زن در هیئت مدیره آنان دارای سواد مالی هستند، ندارند. البته این در حالی است که مدیران زن با سواد مالی، بر محدودسازی و مدیریت سود، اثرگذار هستند. به هر حال؛ حضور مدیران زن با سواد مالی، در مقایسه با شرکت هایی که مدیران مرد با سواد مالی دارند، اثربخشی بیش تری دارند. نتایج اقتصادی حضور زنان با سواد مالی، موجب می شود هیئت مدیره شرکت ها به صورتی خاص تمایل به حضور چنین اعضای در هیئت مدیره خود داشته باشند [۸]. حیدر و همکاران (۱۳۹۷)، به بررسی جنسیت حسابرسان و سبک های کارکردی تفکر: آزمون نظریه خود حکومتی ذهن برای نمونه آماری شامل ۴۵۶ نفر از حسابرسان شاغل در بخش های دولتی و خصوصی پرداختند. نتایج کلی پژوهش با استفاده تجزیه و تحلیل آمار ناپارامتریک من ویتنی نشان می دهد که در سطوح قضاوت قانون گذار و قضاوتگر تفاوت معنی داری میان زنان و مردان وجود دارد. اما این تفاوت به طور معنی داری در سبک اجرایی وجود ندارد. هم چنین تجزیه و تحلیل بیشتر نتایج به تفکیک بخش دولتی و خصوصی حسابرسان بیانگر آن است که در بخش خصوصی حسابرسان تنها در سطح تفکر قضایی، تفاوت معنی دار میان زنان و مردان وجود دارد. اما در بخش دولتی، جنسیت تنها باعث ایجاد تفاوت معنی دار در سطوح قانون گذار و قضایی می شود و در سطح تفکر اجرایی تفاوت معنی داری وجود ندارد [۲].

دیانتی دیلمی و حنیفه زاده (۱۳۹۴)، در تحقیقی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن را بررسی کردند. آن ها وضعیت سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن را از طریق توزیع پرسشنامه بین ۴۱۰ خانوار در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج بدست آمده نشان می دهد که وضعیت سواد مالی این افراد در حد مطلوبی نیست و نیازمند و علاقمند به بهرمندی از راهنمایی متخصصانی با عنوان مشاور مالی خانواده هستند. در ضمن علاوه بر بررسی وضعیت سواد مالی، به عواملی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت (هر یک به عنوان یک فرضیه مستقل) پرداخته و روابط بین آن ها را بررسی نموده که وجود ارتباط بین آن ها

و سواد مالی تایید شده است. از این رو آموزش و اطلاع رسانی به عنوان راه کارهای اولیه توسط نهادهای دولتی و یا موسسات علمی و هم‌چنین جامعه حسابداری پیشنهاد شده است [۳].

روش‌شناسی پژوهش

نوع پژوهش

با توجه به اهمیت و کاربرد نتایج این پژوهش، که می‌تواند زمینه مناسب‌تری را برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی صحیح فراهم آورد، پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کاربردی است. و از نظر ماهیت و روش از نوع توصیفی-همبستگی است. لازم به ذکر است، برای آماده‌سازی متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، از نرم افزار صفحه گسترده (اکسل) استفاده شده است. ابتدا اطلاعات گردآوری شده در صفحات کاری ایجاد شده در محیط این نرم‌افزار وارد گردید و سپس محاسبه‌های لازم برای دستیابی به متغیرهای این پژوهش انجام شد. بعد از محاسبه کلیه متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل‌های این پژوهش، این متغیرها در صفحات کاری واحدی ترکیب شدند تا به طور الکترونیکی به نرم‌افزار مورد استفاده در تجزیه و تحلیل نهایی منتقل شوند.

جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد، که به روش حذفی سیستماتیک و با اعمال محدودیتهای زیرانتخاب شده اند:

۱. شرکت‌هایی که طی دوره پژوهش از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس حذف نشده باشند.
 ۲. شرکت‌هایی که تاریخ پذیرش آنها قبل از ۱۳۸۷ باشد.
 ۳. به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد.
 ۴. شرکت‌هایی که طی دوره موردتحقیق فعالیت مستمر داشته و جزء شرکت‌های تولیدی باشد.
 ۵. شرکت‌هایی که داده‌های مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این تحقیق قابل دسترس باشد.
- بنابراین با اعمال شرایط فوق، تعداد ۱۲۹ شرکت (۱۲۹۰ مشاهده) در بازه‌ی زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۶ انتخاب گردیدند.

متغیرهای پژوهش

متغیرهای مستقل

FemBOD: چنانچه در هیئت مدیره، زن عضویت داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر. (هیات مدیره در شرکت‌هایی که هیئت مدیره آنهاشخص حقوقی بوده و از طرف آنها نماینده ای معرفی شده است، در این پژوهش نمایندگان آنها به عنوان عضو هیات مدیره در نظر گرفته شده است).

NonDirfin: شرکت‌هایی که دارای هیات مدیره زن بوده اند را بررسی کرده و سپس آنها را راکه در هیات مدیره یاد شده دارای سواد مالی بوده اند را در یک گروه و آنها را راکه دارای سواد مالی نبوده اند را در گروه دیگر طبقه بندی نموده ایم، سپس مدیریت سود را در هر یک از دو گروه بایکدیگر مقایسه کردیم.

متغیر وابسته

AbAcc: اقلام تعهدی غیر عادی است که در این تحقیق معیار مدیریت سود بوده و در قالب اقلام تعهدی اختیاری، به عنوان متغیر وابسته به قرار زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

$$\frac{TACC}{ITA} = \alpha_0 \left(\frac{1}{ITA} \right) + \alpha_1 \left(\frac{RevDel - ArDel}{ITA} \right) + \alpha_2 \left(\frac{GPPE}{ITA} \right) + \alpha_3 ROA + \alpha_4 \left(\frac{EXfin}{ITA} \right) + \alpha_5 AGE + \alpha_6 BM + \varepsilon_{it}$$

TACC: کل اقلام تعهدی شرکت که از تفاضل سود خالص از جریان وجوه نقد عملیاتی حاصل خواهد شد.

ITA: مقدار دارایی‌های شرکت در سال قبل

RevDel: مقدار تفاوت در درآمد فروش سال جاری از سال قبل

ArDel: مقدار تفاوت حساب‌های دریافتی در سال جاری و سال قبل

GPPE: مقدار ناخالص دارایی‌های ثابت مشهود

ROA: سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها

EXfin: خالص تأمین مالی خارجی (سهام منتشره شرکت منهای سود نقدی سهام و باز خرید سهام) عبارتی جریان وجه نقد خالص دریافتی از بخش تأمین مالی در صورت گردش وجه نقد که با کل بدهی‌ها، همگن می‌شود.

AGE: تعداد سال‌های عضویت در بورس

ε: باقی مانده در مدل رگرسیون (ε) اندازه‌گیری غیرمنتظره - اختیاری - تعهدات است، که نشان دهنده میزانی است که یک شرکت سود خود را مدیریت می‌کند.

متغیرهای کنترلی

BIG: به عنوان متغیر کنترل اول، چنانچه حسابرسان شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر

LEV: به عنوان متغیر کنترل دوم، اهرم مالی که از تقسیم تفاضل کل بدهی‌ها از بدهی‌های جاری، بر کل دارایی‌های شرکت حاصل خواهد شد.

SIZE: به عنوان متغیر کنترل سوم، اندازه شرکت که از لگاریتم کل دارایی‌ها بدست خواهد آمد.

SaleGro: به عنوان متغیر کنترل چهارم، فرصت رشد شرکت که از طریق تقسیم تفاوت فروش سال جاری و سال قبل بر فروش سال قبل بدست خواهد آمد.

BodSize: به عنوان متغیر کنترل پنجم، اندازه هیئت مدیره شرکت که از طریق لگاریتم کل اعضا بدست خواهد آمد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش جهت انجام تحلیل‌های نهایی، از نسخه ۹ نرم افزار Eviews استفاده شده است.

یافته های پژوهش

همان طور که در فصول قبل اشاره شد، فرضیه های پژوهش بر مبنای اهداف پژوهش در قالب دو فرضیه طرح گردیده است. لذا فصل حاضر با استفاده از داده های گردآوری شده و در نظر گرفتن مدل پیشنهادی برای هر یک از فرضیه ها و برازش مدل ها با استفاده از روش های مشروح در فصل قبل، به آزمون فرضیه های پژوهش می پردازد. این مطالعه از مدل داده های ترکیبی جهت تحلیل مدل استفاده نموده است. ابتدا قبل از برآورد مدل رگرسیون، لازم است مانایی تک تک متغیرها بررسی شود. بدین منظور از آزمون فیشر-ADF استفاده شده است. نتایج این آزمون نشان می دهد که تمامی متغیرهای پژوهش مانا هستند.

جدول ۱- نتایج آزمون دیکی- فولر تعمیم یافته

متغیر	آماره آزمون ADF	مقدار بحرانی	مانایی
ABAcc	-۱۶,۵۳۹۴۲	/۰۰۰۰	مانا
Bod Size	-۱۳,۳۱۱۶۹	/۰۰۰۰	مانا
Fem BoD	-۸,۵۳۹۴۶	/۰۰۰۰	مانا
Sale Gr	-۱۰,۵۳۹۷۲	/۰۰۰۰	مانا
SIZE	-۱۴,۵۳۷۹۲	/۰۰۰۰	مانا
BIG	-۹,۳۷۵۶۱	/۰۰۰۰	مانا

برای تعیین روش برآورد هر یک از مدل های پژوهش آزمون F لیمر جهت انتخاب بین روش داده های تابلویی و تلفیقی و آزمون براش-پاگان به منظور بررسی ناهمسانی واریانس استفاده شده است. نتایج رگرسیونی حاصله با استفاده از آماره های Z و χ^2 احتمال آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در ادامه نتایج آزمون هر یک از فرضیه های به تفکیک تشریح می گردد.

آزمون فرضیه اول: بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری وجود دارد.

نتایج آزمون F لیمر برای این مدل رگرسیونی نشان می دهد که مقدار احتمال آماره F، $۰,۰۰۰۰$ است و چون این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ می باشد، فرض H_0 مبنی بر استفاده از روش داده های تلفیقی رد می شود. بنابراین از روش داده های تابلویی برای برآورد مدل استفاده می شود. خلاصه نتایج آزمون F لیمر برای مدل در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- خلاصه نتایج آزمون F لیمر جهت بررسی روش برآورد مدل رگرسیونی

آزمون	آماره آزمون	p - value	نتیجه
F لیمر	۲/۳۵۶۷۹۰	۰,۰۰۰۰	روش داده های تابلویی

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون هاسمن جهت بررسی روش اثرات ثابت یا تصادفی

آزمون	آماره آزمون	p - value	نتیجه
هاسمن	۲,۶۳۷۹۴	۰,۰۰۰۰	روش داده های تابلویی

پس از انتخاب روش برآورد، به بررسی فرض ناهمسانی واریانس پرداخته می‌شود. که خلاصه نتایج آن ارائه گردیده است.

جدول ۴- خلاصه نتایج آزمون براش - پاگان جهت بررسی همسانی واریانس مدل

آزمون	آماره آزمون	p - value	نتیجه
پراش-پاگان	۱/۶۹	۰,۰۰۰۰	همسانی واریانس

جدول ۵- نتایج برآورد مدل

$AbAcc = \alpha_0 + \alpha_1 BIG + \alpha_2 LEV + \alpha_3 Size + \alpha_4 SaleGro + \alpha_5 BODsize + \alpha_6 FemBod + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری
C	-۱/۱۷۳۶۰۲	۱/۰۶۸۱۲۵	-۲/۵۴۸۲۸۷	۱/۰۱۱۰
BIG	-۱/۱۱۰۴۶۹	۱/۰۰۹۴۷۵	-۸/۰۴۹۴۶۴	۱/۰۰۰۰
LEV	۱/۰۶۵۳۱۳	۱/۰۳۳۴۵۷	۱/۹۵۵۲۱۳۶	۱/۰۵۱۲
Size	۱/۰۰۵۷۵۵	۱/۰۰۳۲۳۸	۱/۷۷۷۳۷۶	۱/۰۷۵۸
SaleGro	۱/۰۰۶۸۷۳	۱/۰۰۱۸۶۷	۳/۶۸۱۳۸۴	۱/۰۰۰۲
BODsize	-۱/۰۴۸۹۵۲	۱/۰۳۲۰۹۹	-۱/۵۲۵۰۵۲	۱/۰۲۷۵
FemBod	-۱/۰۲۶۷۵	۱/۰۱۶۱۰۷	-۱۰/۱۶۶۰۸۱	۱/۰۰۰۰
آماره دوربین- واتسون	۱/۸۵۸۰۹۰	ضریب تعیین (R^2)	۱/۵۲۱۲۵۷	
آماره F	۴/۰۹۰۲۳۹	R^2 تعدیل شده	۱/۵۱۶۰۷۳	
معناداری آماره F	۱/۰۰۰۴۵۶			

از آنجا که مقدار آماره دوربین واتسن تقریباً نزدیک به ۲ بهترین حالت ممکن می باشد نشان از عدم خودهمبستگی بین اجزا اخلاص می باشد. همچنین آماره F نشان دهنده اعتبار بالای مدل می باشد.

همانطور که در جدول ۷ نشان داده شده است مقدار ضریب تعیین، در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی جدول ۷ برابر با $R^2=0.052$ می باشد. مقدار ضریب تعیین برآورد شده، گویای این مطلب است که حدود ۵۲٪ رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود؛ که این امر بیانگر ارتباط بالای متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می باشد. همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود، احتمال رد ضریب برآورد شده برای حضور زنان در هیئت مدیره در شرکتهای نمونه برابر $0,0000$ می باشد. از آنجایی که این مقدار، کمتر از $0,01$ است، لذا ضریب مذکور در سطح خطای یک درصد معنادار و دارای رابطه معکوس می باشد. لذا فرضیه اول پژوهش مبنی بر تأثیر منفی حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود معنادار و دارای ضریب تأثیر $-0,10267$ می باشد؛ به عبارتی با فرض ثابت در نظر گرفتن سایر عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود با یک واحد تغییر در حضور زنان در هیئت مدیره، میزان $-0,10267$ واحد مدیریت سود تغییر می کند. در ادامه مشخص گردید اندازه موسسات با مدیریت سود ارتباط منفی دارد و اهرم مالی ارتباط مثبت به عبارتی چنانچه موسسات بزرگی حسابرسان شرکت باشند احتمال کاهش مدیریت سود وجود دارد و همچنین افزایش میزان بدهی موجب مدیریت سود می شود در این فرضیه اندازه شرکت ارتباط معناداری با مدیریت سود ندارد (در سطح اطمینان تعیین شده)، اما رشد فروش به صورت مثبت با مدیریت سود در ارتباط است و نهایتاً اندازه هیات مدیره ارتباط منفی با مدیریت سود دارد. لذا فرضیه اول پژوهش رد نمی گردد.

آزمون فرضیه دوم: مدیریت سود شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند از شرکت‌ها بی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند بیشتر است. نتایج آزمون F لیمر برای این مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که مقدار احتمال آماره F، $0/20357$ است و چون این مقدار بیشتر از $0/05$ می‌باشد، فرض H_0 مبنی بر استفاده از روش داده‌های تلفیقی رد نمی‌شود. بنابراین از روش داده‌های تلفیقی برای برآورد مدل استفاده می‌شود. خلاصه نتایج آزمون F لیمر برای مدل در جدول ۶ نشان داده شده است.

جدول ۶- خلاصه نتایج آزمون F لیمر جهت بررسی روش برآورد مدل رگرسیونی

آزمون	آماره آزمون	p - value	نتیجه
F لیمر	۱/۱۰۳۴۲۹	۰/۲۰۳۵	روش داده‌های تلفیقی

به منظور بررسی ناهمسانی واریانس از آزمون براش-پاگان استفاده شده که خلاصه نتایج آن در جدول ۹ ارائه گردیده است. این آزمون نشان می‌دهد که مقدار احتمال به دست آمده برابر با $0/347$ است و بنابراین فرض H_0 مبنی بر همسانی واریانس رد نشده و مشکل ناهمسانی واریانس وجود ندارد.

جدول ۷- خلاصه نتایج آزمون براش-پاگان جهت بررسی همسانی واریانس مدل رگرسیونی

آزمون	آماره آزمون	p - value	نتیجه
پراش-پاگان	۱/۳۸۲	۰,۳۴۶۷	همسانی واریانس

جدول ۸- نتایج برآورد مدل

AbAcc = $\alpha_0 + \alpha_1 \text{BIG} + \alpha_2 \text{LEV} + \alpha_3 \text{Size} + \alpha_4 \text{SaleGro} + \alpha_5 \text{BODsize} + \alpha_6 \text{FemBod} + \varepsilon_{it}$				
اعضای زن هیئت مدیره دارای سواد مالی				
سطح معناداری	آماره t	انحراف معیار	ضریب	متغیر
.۰۱۱۰	-۲/۵۴۵۶۲۳	.۰۶۸۲۸۶	-/۱۷۳۸۳۰	C
.۰۰۰۰	-۱۷/۰۴۹۳۹۸	.۰۰۱۹۱۳	۴۳۸۹۳۴.-۰	BIG
.۰۰۰۰	۸/۲۴۹۵۴۵	.۰۰۴۸۸	./۱۳۰۴۷۰	LEV
.۰۵۲۳	۱/۹۴۳۰۶۲	.۰۳۳۵۴۷	./۰۶۵۲۳۷	Size
.۰۰۰۰	۶/۷۷۸۱۷۱	.۰۰۳۲۴۶	./۰۹۵۷۷۲	SaleGro
.۰۰۰۰	-۸/۶۷۸۶۳۶	.۰۰۱۸۶۸	-/۰۷۶۸۷۱	BODsize
.۰۰۰۰	-۴/۵۱۷۲۶۱	.۰۳۲۲۰۶	-/۱۴۸۸۶۶	FemBod
.۰۸۷۱۵۵۴	ضریب تعیین (R^2)	۱/۹۴۵۲۳۵	آماره دوربین- واتسون	
.۰۸۶۶۰۱۹	R^2 تعدیل شده	۲۹/۵۶۸۰۵	آماره F	
		.۰۰۰۰۰۰	معناداری آماره F	
اعضای زن هیئت مدیره بدون سواد مالی				
.۰۷۹۰	-/۰۲۶۳۹۰	۱۱۶/۹۰۵۹	-/۸۵۱۶۰	C
.۰۰۰۰	-۶/۳۶۹۵۶۹	.۰۹۹۹۷	-/۴۵۰۷۶۹۴	BIG
.۰۰۰۰	۰۹۳۷۸۰۵	۰۰۶۷۹۲۰	./۰۸۷۳۷۴۵	LEV
.۰۳۲۰	۲/۱۴۹۰۱۰	./۰۴۲۱۴۱	./۰۸۲۶۴۷۹۱	Size
.۰۰۰۴	-۲/۷۶۲۵۳۲	./۰۴۰۹۰	-/۲۲۲۴۶۷۸	SaleGro
.۰۰۰۰	-۲/۸۴۶۰۸۸	./۰۹۳۵۵	-/۱۴۹۹۸۷	BoDsize
.۰۰۰۰	۶/۵۱۱۳۴۷	./۰۳۷۴۱	./۱۹۰۳۹۱	FemBod
.۰۶۳۰۹۷۶	ضریب تعیین (R^2)	۱/۸۱۷۱۱۲	آماره دوربین- واتسون	
.۰۵۹۸۱۱۴	R^2 تعدیل شده	۱/۷۳۸۴۶۹	آماره F	
		.۰۰۰۰۰۱۳	معناداری آماره F	

از آنجا که مقدار آماره دوربین واتسن در هر دو تخمین تقریباً نزدیک به ۲ بهترین حالت ممکن می باشد نشان از عدم خودهمبستگی بین اجزا اخلاص می باشد. همچنین آماره F نشان دهنده اعتبار بالای مدل می باشد. همانطور که در جدول ۹ نشان داده شده است مقدار ضریب تعیین، در نتایج برآورد شده مدل رگرسیونی رابطه برای هر دو تخمین به ترتیب برابر با $R^2 = 0.87$ و $R^2 = 0.63$ می باشد. مقدار

ضریب تعیین برآورد شده، گویای این مطلب است که حدود ۸۷٪ در تخمین اول و ۶۳٪ در تخمین دوم رفتار متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود؛ که این امر بیانگر ارتباط بالای متغیرهای مستقل با متغیر وابسته می‌باشد. همانطور که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، احتمال رد ضریب برآورد شده اعضای زن هیئت مدیره دارای سود مالی در شرکت‌های نمونه برابر ۰۰۰۰۰ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار، کمتر از ۰,۰۵ است، لذا ضریب مذکور در سطح خطای یک درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی در صورت حضور زن در هیئت مدیره مدیریت سود به اندازه ۰,۱۴۹- کاهش می‌یابد. در تخمین دوم احتمال رد ضریب برآورد شده اعضای زن هیئت مدیره بدون سود مالی در شرکت‌های نمونه برابر ۰۰۰۰۰ می‌باشد. از آنجایی که این مقدار، کمتر از ۰,۰۵ است، لذا ضریب مذکور در سطح خطای یک درصد معنادار می‌باشد. به عبارتی در صورت عدم حضور زن در هیئت مدیره مدیریت سود به اندازه ۰,۱۹۰ افزایش می‌یابد. لذا فرضیه دوم پژوهش مبنی بر مدیریت سود شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سود مالی هستند از شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سود مالی نیستند کمتر است و تایید می‌شود. در هر دو تخمین مشخص گردید اندازه موسسات حسابرسی با مدیریت سود ارتباط منفی دارند و مانع از مدیریت سود می‌شوند و اهرم مالی ارتباط مثبت با مدیریت سود دارد رشد فروش در تخمین اول ارتباط مثبت و در تخمین دوم ارتباط منفی و معنادار به دست آمد و نهایتاً اندازه هیئت مدیره در هر دو تخمین ارتباط منفی با مدیریت سود دارد. لذا فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود.

نتیجه گیری

همانطور که در تحلیل فرضیه‌ها نشان داده شد، هر دو فرضیه پژوهش تایید شد و نشان داده شد که:

- بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه منفی معناداری وجود دارد.
- مدیریت سود شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سود مالی هستند از شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سود مالی نیستند کمتر است.

چن و همکاران (۲۰۱۶)، در تحقیق خود به بررسی رابطه بین نوع جنسیتی هیئت مدیره و ضعف کنترل داخلی پرداختند. ایشان پیش‌بینی نموده و یافتند که شرکت‌هایی که عضو زن در هیئت مدیره آنان بیش‌تر باشد، از ضعف کنترل‌های داخلی کم‌تری برخوردارند. نتایج هم‌چنین نشان داد که این مسئله ارتباطی به حضور زنان در کمیته حسابرسی شرکت ندارد. نتایج آشکار نمود که حضور زنان در هیئت مدیره، ضعف کنترل داخلی را می‌کاهد، صرف‌نظر از این که در کمیته حسابرسی حضور داشته یا حضور نداشته باشند. این نتایج بیانگر یک نظریه قوی و اساسی است که نشان می‌دهد حتی حضور یک زن در هیئت مدیره، می‌تواند ضعف کنترل داخلی را بهبود ببخشد. شواهد گویای آن است که خصوصیات رفتاری آنان هم‌چون محافظه‌کارتر بودن، دقت در بحث انتشار گزارش، نظارت بهتر و رفتار فرصت‌طلبانه کم‌تر، برای شرکت اثرات مطلوب‌تری به بار خواهد آورد. نتایج این تحقیق برای سرمایه‌گذاران و قانون‌گذاران در مورد نحوه نظارت و کنترل بر امور شرکت بسیار حائز اهمیت است [۸]. ماتسونوگا و یونگ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «شواهدی از تأثیر دانش مالی مدیرعامل بر روی کیفیت افشا و گزارش‌های مالی شرکت» به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، سود دقیق‌تری را ارائه و کیفیت افشای مالی را بهبود می‌بخشند. در واقع، کیفیت افشای مالی یک شرکت تابعی از

میزان دانش و تجربه مدیرعامل آن است. [۱۵] در پژوهشی با عنوان «تاثیر دانش مالی مدیرعامل بر مدیریت سود» در کشور چین به این نتیجه رسیدند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، مدیریت سود بر مبنای ارقام واقعی کمتری انجام می‌دهند. این در حالی است که بین دانش مالی مدیرعامل و مدیریت سود بر مبنای ارقام تعهدی اختیاری رابطه‌ای وجود ندارد. آن‌ها بر اساس یافته‌های خود، نتیجه گرفتند که مدیرعامل‌های دارای دانش مالی، اطلاعات سود دقیق‌تر و صورت‌های مالی با کیفیت تری را ارائه می‌کنند. دریافتند که مدیرعامل‌های دارای تجربه کار در واحد تحقیق و توسعه مقدار بیشتری منابع به بخش تحقیق و توسعه اختصاص می‌دهند. در مهر و موم‌های اخیر شرکت‌های زیادی در دنیا سعی در استخدام مدیرعامل با سطح دانش مالی نموده‌اند. (سانچز و مکا، ۲۰۱۷) دریافتند که حضور اعضای با تخصص مالی در کمیته حسابرسی در کاهش خطر ورشکستگی بانک‌ها مؤثر است همچنین، زمانی که مقررات و کنترل داخلی بخش بانکی ضعیف باشد این حضور در کمیته حسابرسی مهم‌تر می‌شود لذا مطابق مبانی نظری موجود و نتایج این پژوهش سواد مالی اعضای هیات مدیره بر مدیریت سود تأثیر منفی دارد و این تخصص مانع از مدیریت سود و هدر رفتن منابع شرکت می‌شود. با توجه به اینکه بین حضور زنان در هیئت مدیره و مدیریت سود رابطه منفی معناداری وجود دارد مدیران زن می‌توانند با تأکید بیشتر بر ملاحظات اخلاقی، در تصمیمات هیئت مدیره نظارت داخلی شرکت را تقویت کنند. این تفاوت‌های جنسیتی نشان می‌دهد که مدیران زن ممکن است، بیش از حد به محدود کردن و جلوگیری از پرخاشگری گزارش حسابداری باشد. مدیران زن، با جلوگیری یا اصلاح رفتارهای فرصت طلبانه مانند مدیریت سود، کیفیت سود را بهبود می‌بخشد. لذا به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران جهت مدیریت منابع مالی و هدر رفتن سرمایه ملی پیشنهاد می‌شود جهت سرمایه‌گذاری و تحلیل رفتار قیمت سهام و سرمایه‌گذاری در بورس به جنسیت افراد در هیات مدیره توجه شود. با توجه به اینکه مدیریت سود شرکت‌هایی که اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی هستند از شرکت‌ها بی‌کی‌تری است. اعضای زن هیئت مدیره در آن دارای سواد مالی نیستند کمتر است. مدیران زن عملکرد و کارایی هیئت مدیره را بهبود می‌بخشد، بنابراین باید مدیران شرکت‌ها و موسسات تأمین مالی در ارزیابی‌های خود به این عوامل و توسعه فعالیت شرکت‌ها و تدوین استراتژی‌های مورد نظر توجه لازم مبذول نمایند، همچنین مدیران شرکت‌ها استراتژی‌های مناسبی جهت تعیین نقش خود در بازار رقابتی صنعت مربوطه توجه نمایند. همچنین در وضع قوانین مرتبط با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اصلاحاتی در جهت قراردادن ترکیب جنسیتی مونث دارای سواد مالی در هیات مدیره شرکت‌ها اقداماتی صورت پذیرد.

فهرست منابع

۱. برازنده احمدآبادی، عباس، «مدیریت سود: انگیزه‌ها و نتایج اقتصادی آن»، **مجله دانش و پژوهش حسابداری**، انجمن حسابداری ایران، شماره ۲۳، ۱۳۸۹، صص ۷۱-۷۴.
۲. حیدر مجتبی، رهنمای رودپشتی فریدون، نیکومرام هاشم و بهمن بنی‌مهد (۱۳۹۷). "جنسیت حسابرسان و سبک‌های کارکردی تفکر: آزمون نظریه خود حکومتی ذهن". **فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت**، سال هفتم / شماره ۲۵ / بهار ۹۷. صص ۹-۱.

۳. دیانتی دیلمی، زهرا، حنیفه زاده محمد (۱۳۹۴). "بررسی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن"، فصلنامه دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۱۱۵-۱۳۹.
۴. عربصالحی، مهدی و عابدینی، محسن، «بررسی مبانی نظری مدیریت سود از طریق درآمدهای اختیاری»، **مجله حسابداری و مدیریت مالی**، شماره ۷، ۱۳۹۰، صص ۱۲۶-۱۴۰
۵. نصیرزده، فرزانه، اورادی، جواد، رجبعلی زاده، جواد (۱۳۹۶). "بررسی تأثیر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی"، **نشریه مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، دوره ۶، شماره ۲۴، صص ۳۹-۵۲
۶. هاشمی، سید عباس و ربیعی، حامد، «مروری بر مبنای نظری مدیریت سود»، **حسابداری و مدیریت مالی**، شماره ۷، ۱۳۹۰، ۱۳۹۰، صص ۶-۲۲.
7. Adams, R.B. and Ferreira, D. (2009), Women in the boardroom and their impact on governance and performance, **Journal of Financial Economics**, Vol. 94, pp. 291-309
8. Chen, Y., Eshleman, J. D., Soileau, J. S., (2016). Board Gender Diversity and Internal Control Weaknesses, **Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting**, pp. 1-9, <http://dx.doi.org/10.1016/j.adiac.2016.04.005>
9. Cole S., T. Sampson, and B. Zia, (2010). **Prices or Knowledge? What Drives Demand for Financial Services in Emerging Markets?** Harvard Business School Finance Working Paper Series
10. Eccles, J.S. (1994), Understanding women's educational and occupational choices: applying the Eccles et al. model of achievement-related choices, **Psychology of Women Quarterly**, Vol. 18, pp. 585-610.
11. Fondas, N. and Salsalos, S. (2000), A different voice in the boardroom: how the presence of women directors affects board influence over management, **Global Focus**, Vol. 12, pp. 13-22
12. Gavius, I., Segev, E., & Yosef, R. (2011). Female directors and earnings management in high-technology firms. **Pacific Accounting Review**, 24(1), PP. 4-32.
13. Hillman, A.J., Shropshire, C. and Cannella, A.A. (2007), Organizational predictors of women on corporate boards, **Academy of Management Journal**, Vol. 50 No. 4, pp. 941-52
14. Huse, M. and Solberg, A. (2006), Gender-related boardroom dynamics: how Scandinavian women make and can make contributions on corporate boards, **Women in Management Review**, Vol. 21, pp. 113-30.
15. Jiang, F., Zhu, B., and Huang, J. (2017), CEO's Financial Experience and Earnings Management, **J. of Multi. Fin. Manag.**, 23, pp. 134-145.
16. Morrison, A.M., Randall, P.W., Van Valsor, E. and The Center for Creative Leadership (2004), **Breaking the Glass Ceiling**, Addison-Wesley, Boston, MA. E.
17. Srinidhi, B., Gul, F.A. and Tsui, J. (2011), Female directors and earnings quality, **Contemporary Accounting Research**, Vol. 28, pp. 1610-44.



**Investigating the Evolutionary Relationship Between Female Managers and Financial Literacy in Preventing Earnings Management
(The Case of Companies Listed on Tehran Stock Exchange)**

Naghi Fazeli (PhD)¹©

Assistant Professor, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Ranaa Niaakan²

Master Student in Accounting, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

(Received: 26 August 2019; Accepted: 22 January 2020)

This study aimed to review the relationship between the presence of female directors of the board, earnings management and the effect of financially literate directors on this relationship. To access to research goal, the information of 129 firms among all authentic firms in Tehran stock exchange from 1387 till 1396 (1290 years) was utilized. Multiple regression has been used to analyze the data. Findings show that the presence of women on the board has a negative effect on earnings management, and also firms with financially literate female directors on the board have more earnings management than firms with financially illiterate female directors.

Keywords: Female Members on Board, Financial Literacy of Board Members, Earnings Management.

¹ fazeli.n@gmail.com ©(Corresponding Author)

² niakan.raana@yahoo.com